

فتریت اقتصادی از منظر رهبر انقلاب اسلامی و چالش‌های پیش روی آن در شبکه بانکی ایران

حسین زمانی میقان^۱، علی رحیمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۴

چکیده: مفهوم اقتصاد مقاومتی این است که روند رو به رشد اقتصادی در کشور حفظ شود و آسیب‌پذیری آن کاهش پیدا کند. از منظر رهبری، اقتصاد مقاومتی شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که در وضعیت تهدید اقتصادی نظام‌برانداز دشمن با تغییر در اولویت‌های نظام اقتصادی و تغییرهای متناسب با آن در اصول راهبردی و سیاست‌های کلی در نظام است. در نظام اقتصادی اسلام در این وضعیت با تغییر در اولویت هدف‌ها و به تبع آن در سیاست‌های کلان و اصول راهبردی و حاکمیت روحیه جهاد بر رفتارهای اقتصادی دولت و مردم، راهبردی کلان طراحی می‌شود که تهدید را تبدیل به فرصت کرده و موجب رشد جهشی خواهد شد. سوال اصلی این مقاله آن است که عنصر اصلی اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های اساسی آن کدامند و چالش‌های پیش روی آن در شبکه بانکی ایران چیست؟ در پاسخ چنین فرضیه‌ای مطرح می‌شود که عنصر اصلی اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری، جهاد اقتصادی است و چهار مؤلفه اساسی آن رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فتریت اقتصادی می‌باشند که در اینجا فقط مؤلفه چهارم مورد تأکید قرار گرفته و چالش‌های موجود شبکه بانکی شامل تجهیز و تخصیص و مدیریت به طور خاص است به طوری که الگوی مدیریت بانک‌های تجاری کشور می‌تواند با برنامه‌ریزی دقیق در جهت حمایت از تولید داخلی به‌ویژه در زمینه خود کفایی در تولید کالاهای اساسی گام بردارند و ارائه تسهیلات را در اولویت کاری قرار دهند؛ اقدامی که سیاست تحریم‌کنندگان مبنی بر ایجاد فشار از طریق محدودکردن واردات کشور را بی‌اثر می‌کند.

واژگان اصلی: اقتصاد مقاومتی، جهاد اقتصادی، بانک‌های تجاری.

^۱ دانشجوی دکتری اقتصاد ایران دانشگاه آزاد، واحد فیروزکوه، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

Hzamani69@gmail.com

^۲ کارشناس اقتصاد، دانشگاه قم، قم، ایران

Ali.09376941747@gmail.com

مقدمه

با شدت یافتن تحریم های یکجانبه غرب علیه جمهوری اسلامی ایران، واژه جدید «اقتصاد مقاومتی» به ادبیات اقتصادی کشور اضافه شد. این واژه نخستین مرتبه در دیدار کارآفرینان با رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ مطرح گردید به طوری که وی «اقتصاد مقاومتی» را تعبیری از کارآفرینی معرفی و برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی نیز دو دلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش» را توصیه نمودند. در ادبیات موضوعی، مقاومت اشاره به استعداد بازیابی و برگشت به وضعیت اولیه سیستم بعد از مواجهه شدن آن سیستم با شوک است. باید در نظر داشت، مقاومت در حوزه های مختلف معانی مختلفی دارد. مثلاً در روانشناسی مقاومت به معنای میزان استعداد فرد برای بازگشت به حالت طبیعی پس از مواجهه با افسردگی و یا بیماری را می گویند. به عبارت دیگر مقاومت در روانشناسی یعنی چقدر احتمال دارد که فرد به حالت قبل از بروز افسردگی برگردد یا در مورد مهندسی مواد یا مصالح وقتی صحبت از مقاومت می شود، در واقع خاصیت فیزیکی مصالح را در حفظ خواص ظاهری خود پس از قرار گرفتن در برابر فشار یا کشش را مورد بحث قرار می دهد. البته اگر این کشش یا فشار قبل از حالت گسیختگی به جسم وارد شود یا به اصطلاح شیئی در حالت الاستیک باشد، در اینصورت پس از رفع فشار، شیئی میتواند به حالت اول خود برگردد. مشابه همین مفهوم را در مورد توانایی یک سیستم می توان به کار برد. به عبارت دیگر وقتی می گوئیم مقاومت سیستم، یعنی میزان توانایی سیستم در مقابله با تخریب ناگهانی.

در مورد اقتصاد مقاومتی تعاریف متفاوتی وجود دارد. تعریفی که معنای اصطلاحی آن را به تعبیر رهبری قرین می نماید «فزیت اقتصادی» است که اشاره به توان سیاست ساخته یک اقتصاد برای بهبود (یا انطباق با) آثار شوک های برونزای مخالف دارد. لذا در این مفهوم دو موضوع توانایی برای بهبود سریع شوک های تخریب کننده و توانایی ایستادگی در برابر آثار مخرب مورد بحث است. در این مقاله الگوی اقتصاد مقاومتی با توجه به نظرات رهبری با چهار شاخص عمده رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فزیت اقتصادی بیان می شود. راهبردهای فزیت اقتصادی شامل راهبردهای بازدارندگی (مانند استفاده از ظرفیت کشورهای بی طرف، استفاده از طلا، بیمه داخلی

کشتی‌های نفتی، توسعه مبادلات پایاپای تجاری)، راهبردهای مقابله و حمایت از تولید ملی با تأکید بر خودکفایی، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، بهبود فضای کسب و کار، اجرای اصل ۴۴، راهبردهای جذب و ترمیم و اصلاح الگوی مصرف مانند اصلاح الگوی بودجه‌ریزی عمومی و اصلاح نظام اداری و راهبردهای پخش و تضعیف جهت سهمیه‌بندی ارز، حامل‌های انرژی و منابع یارانه‌ای می باشد که باید متناسب با موارد مختلف به کار رود.

از ویژگیهای اساسی مدیریت اقتصادی موفق، داشتن الگوست. در ایران ما مسئله فقدان الگوی مشخص برای مدیریت اقتصاد، به ویژه در برخورد با شرایط چالش و بحران، به سادگی قابل درک است. در وضعیت حاضر که با چالش مهم تحریم همه جانبه غرب مواجه هستیم، با وجود همه تلاشهای غیرقابل انکار انجام شده برای مواجهه با اقدامات دشمنان، فقدان الگویی راهبردی برای مدیریت اقتصادی احساس می شود تا بسیاری از مسائل را از چالش خارج کند یا چالشها فرصت اثرگذاری منفی بر اهداف را پیدا نکنند. آنچه به روشنی در واقعیت اقتصاد ایران دیده می شود آن است که سیاستهای اقتصادی پولی، مالی، ارزی، بانکی، اشتغال و تولید بدون ارتباط منسجم و تعریف شده و بعضاً به صورتی کامل اقتضایی و موردی، آن هم پس از گسترش دامنه چالشها، به کار بسته می شوند و از آنجا که ارتباط سیستمی مشخصی میان آنها برقرار نیست، در بسیاری موارد یکدیگر را خنثی می کنند و در مجموع کارایی لازم را ندارند. نتیجه اجرای این سیاستهای انفعالی از قبل معلوم و متفاوت با شرایط مورد انتظاری است که با به کارگیری الگوی مشخص در مدیریت کلان اقتصادی، فعالیت واحدهای اقتصادی در سطح خرد و میانی هماهنگ می شود و متغیرهای کلان اقتصادی در راستای مقاصد مربوط تنظیم و همه پتانسیلها برای اهداف نهایی پیشرفت و عدالت به کار گرفته می شوند. بررسی زیادی لازم نیست که متوجه شویم در دوران جنگ تحمیلی نیز چنین مشکلی وجود داشته است. وضعیت شاخصهای اقتصادی در سال پایانی جنگ (۱۳۶۷) نشان می دهد که این شاخصها به بحرانی ترین میزان خود در تمام سالهای جنگ رسیده بود. (برای مثال، کسری بودجه دولت به رقم بی سابقه ۵۴ درصد در تاریخ ایران رسیده بود). شاید بتوان ادعا کرد که از دلایل حضرت امام(ره) برای پذیرش قطعنامه، وضعیت نامطلوب

اقتصادی ناشی از فقدان الگوی اقتصاد مقاومتی بوده است. اکنون با اینکه رهبری اوضاع کنونی را به «گردنه ای که از آن عبور خواهیم کرد» تعبیر نمودند، اما بر داشتن اقتصاد مقاومتی اصرار ویژه داشتند. خوشبختانه زمینه تدوین و پیاده سازی الگوی اقتصاد مقاومتی برای کشوری مانند ایران با داشتن منابع فراوان، جمعیت زیاد، بازار بزرگ درون کشور و ارتباطات منطقه ای نسبتاً خوب فراهم است. پتانسیلها و منابع بیکار و استفاده نشده فراوان فعلی همه حاکی از آن است که استفاده کامل و کارآمد از منابع موجود و به کارگیری آنها در ظرفیت اشتغال کامل می تواند بسیاری از مشکلات و آسیبها را چاره کند. تحولات جهانی نیز اقتضا می کند که جمهوری اسلامی ایران به عنوان الهام بخش جهان اسلام الگویی موفق و مستقل از مدیریت اقتصادی را به نمایش بگذارد و وضعیت مطلوب اقتصادی را در اندازه شئونات و عزت نفس مردم خود ایجاد کند. نکته مهم دیگر اینکه در شرایط وجود چالشها، چنانچه الگوی اقتصاد مقاومتی مبتنی بر فعالسازی ظرفیتهای داخلی شکل گیرد، بهترین سکوی پرتاب برای شرایط پس از چالش خواهد بود؛ به گونه ای که با رفع این چالشها، ظرفیت اقتصاد به صورتی کاملتر آزاد و موجب شتاب پیشرفت خواهد شد.

پیشینه تحقیق

اله مراد سیف در مقاله ای (۱۳۹۱) تحت عنوان "الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران" معتقد است که در موضوع اقتصاد مقاومتی تعبیر متنوع و متفاوتی در ادبیات اقتصادی رایج شده است. تعبیری که معنای اصطلاحی (و نه لغوی) آن را به تعریف مقام معظم رهبری نزدیک می کند «فتریت اقتصادی» است. در مقاله وی به ادبیات فتریت اقتصادی پرداخته شده و الگوی مربوط را مورد بحث نظری قرار داده است. در ادامه، ریسک تخریب اقتصاد ملی و نیز سناریوهای رفتاری کشورها در این راستا مورد بحث قرار گرفته و محورهای چهارگانه فتریت اقتصادی بیان شده است.

منصور حیدری و سیدمحمدجواد قربی در مقاله ای (۱۳۹۵) تحت عنوان "پژوهشی در معنا و مفهوم اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران" در خصوص مفهوم اقتصاد مقاومتی مفاهیم مشابه با عناوین فتریت اقتصادی، اقتصادهای ریاضتی، موازی، ترمیمی،

دفاعی و الگو وجود دارد که اقتصاد الگو به مفهوم اقتصاد مقاومت قربت بیشتری دارد و نکته حائز اهمیت این مسئله می باشد که اقتصاد مقاومتی صرفا یک تدبیر اقتصادی کوتاه مدت و برای رفع تحدیدات اقتصادی نیست بلکه یک استراتژی بلند مدت می باشد که برای هر شرایطی لازم است و بعد از رفع تحریم های اقتصادی، همچنان کارآمد و برطرف کننده چالش های اقتصادی درونی و ملی خواهد بود.

حسین جمال آبادی در مقاله ای (۱۳۹۷) تحت عنوان "تحلیل و بررسی مفهوم اقتصاد مقاومتی در نگاه کلان مدیریتی جامعه اسلامی" به ذکر این نکته که اقتصاد مقاومتی با مقاومت اقتصادی متفاوت است و برخی آن را مترادف با مفهوم فنریت اقتصادی می دانند. اقتصاد مقاومتی علاوه بر کاهش اثرپذیری منفی اقتصادی یک کشور از اقتصاد جهانی و خارجی در بردارنده پیشرفت نیز می باشد و به نوعی می توان گفت که این موضوع یک برنامه ریزی و تئوری اقتصادی می باشد که قابلیت اجرا در بسیاری از کشورها خاصه کشورهای که به دنبال استقلال سیاسی و اقتصادی می باشند قابل اجراست.

مبانی نظری: تئوری فنریت اقتصادی

اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که هماهنگ با سیاست های کلان نظام اسلامی و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی بوجود می آید تا بتواند مقابل تحریم ها مقاومت نماید. (عسگری، ۱۳۹۱) اقتصاد مقاومتی یعنی اینکه حتی در فرایند فشار روند روبه رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند و آسیب پذیری آن کاهش یابد و کمتر مورد آسیب واقع شود. (سیف، ۱۳۹۱: ۲۴)

هدف اقتصاد مقاومتی بازسازی و احیای اقتصاد ملی است و جنبه مردمی دارد و از ظرفیت های مردم و دانش فنی نخبگان بهره می برد (رضایی دوانی و رضایی، ۱۳۹۳: ۳۴) اقتصاد مقاومتی برای هر شرایطی برنامه و برای تغییرات واکنش مناسبی دارد (حسین زاده بحرینی، ۱۳۹۲: ۶۷) چهار راهبرد کنترل، مهار، کم اثر و در نهایت بی اثرسازی تهدیدها مدنظر است. (خوش چهره، ۱۳۹۱: ۱۵)

هدف در اقتصاد مقاومتی استفاده از توان داخلی و مقاومت در مقابل تحریم ها با ایجاد کمترین بحران است. به تعبیر حضرت آیت الله خامنه ای اقتصاد مقاومتی برای کشور، در هر شرایطی اعم از تحریم یا غیر تحریم ضروری است، و این به معنای آن است که بنیان اقتصادی کشور باید به گونه ای سامان دهی شود که تکانه های جهانی در آن اثرگذار نباشد. (سخنرانی رهبری، ۱۳۹۳) بر این اساس، مقاومت برای رد کردن فشارها و عبور از سختی ها برای رسیدن به نقاط مثبت ملی، شرط لازم تحقق اقتصاد مقاومتی است. این دیدگاه جدید به اقتصاد را می توان با واژه اقتصاد مقاومتی به مجامع علمی معرفی کرد و حتی در مفهوم دقیق تر، می توان از واژه اقتصاد سیاسی مقاومتی استفاده کرد و برای ارزیابی آن شاخص های اقتصاد سیاسی را تعریف و استخراج نمود. (اصغری، ۱۳۹۵: ۳-۳۱)

به لحاظ نظری اقتصاد مقاومتی با نظریه فنریت اقتصادی همخوانی و مطابقت دارد. تعبیری که معنای اصطلاحی آن را به تعریف مقام معظم رهبری نزدیک می کند «فنریت اقتصادی» است که اشاره به توان سیاست ساخته یک اقتصاد برای بهبود (یا انطباق با) آثار شوک های برونزای مخالف دارد.

فنریت اقتصادی را چنین تعریف می کنند: "توانایی یک سیستم که بتواند شوک های بازار یا محیط را بدون از دست دادن توانایی و ظرفیت ها برای تخصیص کارآمد منابع حفظ کند و بتواند به تخصیص مجدد منابع بپردازد و تغییرهای ساختاری را ایجاد کند، در عین حال که بنیاد و عملکرد خود را حفظ کند". در این نگرش تطبیق یافتن ساختاری و نهادی با بحران ها و شوک های بیرونی بسیار مهم است و برخی از اقتصاددانان این فرایند را جهندگی تکاملی و در تعاریف مدرن تر مفهوم مقاومت نیز در کنار ارتقا یک سیستم اقتصادی، بدان اضافه شده است. بدین مفهوم که یک اقتصاد بتواند نسبت به شوک ها و بحران های داخلی و خارجی مقاومت و عملکرد خود را نیز حفظ کند. در واقع فرایند فنریت اقتصادی از چند عنصر اصلی تشکیل شده است:

۱. آسیب پذیری: آسیب پذیری و میزان ضعف تشکیلات اقتصادی، نهادها و کارمندان به شوک های بیرونی، ۲. شوک ها اعم از بحران های اقتصادی، تحریم ها و ... ۳. مقاومت که تاثیر شوک بر اقتصاد و ابتکار عمل در برابر آن که فاکتورهایی مانند میزان کاهش

یافتن منابع، موقعیت محلی، ساختار صنعتی، باز بودن اقتصاد، نظام سیاستگذاری تشکیل شده است. ۴. توانمندی و تطبیق پذیری: چگونه نهادها، موسسات، سازمان ها و کارمندان به این بحران پاسخ می دهند و خود را با آن تطبیق می دهند که از فاکتورهای چون تولید اقتصادی، ظرفیت پژوهش، بهره بردن از سرمایه خارجی و حمایت از سیاست ها تشکیل شده است. ۵. بازپروری و قدرت تغییر: میزان و ماهیت بهبود یافتن در برابر شوک های اقتصادی و همچنین قدرت اقتصادی یک کشور برای یافتن مسیرهای جدید که نیاز به یافتن فناوری های جدید، تغییر کشاورزی سنتی و تحمل فشارات ناشی از این تغییر. (حسین پور، رضائی منش و محمدی سیاهبومی، ۱۳۹۵: ۹۹-۱۲۲)

هر کشور به تناسب ساختارها و سیستم اقتصادی که دارد با موانع و مشکلات خاص خود در تحقق اقتصاد مقاومتی درگیر است. در کشور ایران نیز موانع تحقق اقتصاد مقاومتی را می توان در سه سطح کلان مورد بررسی قرار داد که عبارتند از: تقنینی، اجرایی و قضایی. در حوزه تقنینی قوانین و مولفه های اقتصاد مقاومتی به خوبی تبیین نشده اند و چارچوب ها و تئوری های لازم برای آن در نظر گرفته نشده است و یا قوانین بعضاً متناقض با اقتصاد مقاومتی وضع شده است. در حوزه اجرایی نیز اقدامات لازم برای خصوصی سازی و کاهش نقش دولت انجام نشده است و در زمینه قضایی نیز پشتیبانی های لازم از کارآفرینان داخلی صورت نگرفته است.

علاوه بر این تقسیم بندی بسیار کلی، بر اساس تئوری بریگولیو و همکارانش می توان شاخصه های ثبات اقتصادی کلان، کارآمدی بازار اقتصاد خرد، نظارت صحیح و توسعه ی انسانی را به عنوان بنیادهایی در نظر گرفت که نقصان در هر کدام از این بخش ها مانعی بر سر تحقق اقتصاد مقاومتی محسوب می شوند. (بریگولیو و همکاران، ۲۰۱۶)

وجه اشتراک اقتصاد مقاومتی به مفهوم «مقاوم سازی اقتصاد ملی در برابر تغییرها، مخاطره ها و تهدیدهای داخلی و خارجی بر سر راه پیشرفت» با متون علمی رایج در حوزه اقتصاد، همان افزایش تاب آوری و کاهش آسیب پذیری است. تاب آوری و آسیب پذیری مفهوم های نوینی هستند که به معنای توانایی رویارویی با شوک ها و انعطاف پذیری مطرح است و در پی مخاطره هایی است که بسیاری از کشورها را مورد

تهدید قرار داده و آنها را از راه رشد خود منحرف کرده است. (غیاثوند و عبدالشاه، ۱۳۹۴: ۸۹)

رابطه مشخص و واضحی بین تاب آوری و آسیب پذیری وجود دارد. آسیب پذیری با در معرض شوک های خارجی قرارگرفتن همراه است و تاب آوری با سیاست هایی که کشورها را قادر می سازد در برابر آثار منفی حاصل از شوک های خارجی، تاب آور باشند یا آسیب ها را کمتر کنند. نکته مهم در این بحث این است که نمی توان بروز خواص بد اقتصادی در جوامع را فقط ناشی از آسیب پذیری دانست بلکه افزون بر آسیب پذیری، تاب آوری نیز بسیار مهم است. ممکن است کشورهایی به لحاظ آسیب پذیری، مرتبه بالایی داشته باشند، اما به علت اتخاذ سیاست های تاب آوری بسیار مطلوب، به خواص مطلوب اقتصادی دست پیدا کنند.

در حقیقت نتیجه های مطلوب یا نامطلوب اقتصادی، بستگی به تعامل میان آسیب پذیری و تاب آوری دارد. ممکن است کشوری بسیار آسیب پذیر باشد اما درآمد سرانه بالا و بی ثباتی درآمندی کمی داشته باشد. (ارژنگ و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۳)

نقد و بررسی تعابیر گوناگون از اقتصاد مقاومتی روشن ساخت که اقتصاد مقاومتی یک راهبرد اقتصادی برای مقاوم سازی به معنای فعالانه آن است. در این تعبیر، منظور از اقتصاد مقاومتی فقط مقاوم سازی نقاط آسیب پذیر اقتصادی و با پافشاری بر جنگ اقتصادی یا رویارویی با تهدیدهای خارجی نیست. اقتصاد مقاومتی به این معنا، دو جنبه دارد: ۱. کاهش آسیب پذیری، ۲. افزایش تاب آوری

برنامه ریزی در جهت کاهش آسیب پذیری که افزون بر نقش اصیل خود با تأثیر بر تاب آوری و افزایش آن شکل فعالانه تری به خود می گیرد و نیز کوشش برای افزایش تاب آوری اقتصاد کشور می تواند به اقتصادی مقاوم در کشور بینجامد. نمونه بارز برنامه ریزی برای کاهش آسیب پذیری می تواند در سیاست گذاری های ناظر بر کاهش وابستگی بودجه عمومی و مخارج دولت به درآمدهای نفتی تبلور یابد. تاب آوری به عنوان جنبه دیگر اقتصاد مقاومتی به صورت قابلیت های اقتصاد در شناسایی، پدیدساختن ظرفیت های بهره برداری و خلق راهبردهای بهره برداری متبلور می شود. در حقیقت، تاب آوری قابلیت نظام اقتصادی در رویارویی با اختلال ها و تغییرهای منفی

است؛ به گونه ای که؛ اولاً، بتواند آنها را پیشبینی کند؛ ثانیاً، ظرفیت لازم برای استفاده از جنبه های مثبت آنها را داشته باشد و در صورت نداشتن پدید آورد؛ ثالثاً، راهبردهایی خلق کند که بتواند حداکثر بهره مندی از تغییرها را ببرد. با چنین قابلیت، نظام اقتصادی نظامی تاب آور خواهد بود و خواهد توانست در صورت رویارویی با شوک های منفی، به راحتی از عهده حل تحمل برآید. (ترابزاده جهرمی، محمدصادق و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۹)

همانگونه که اشاره شد، لازم نیست اقتصادی که تاب آور است بتواند به طور دقیق کارکردهای پیشین خود و به ویژه مشابه آنچه را پیش از آن انجام می داده است، انجام دهد. ممکن است بر اثر تغییرهای پدیدآمده، نظام کارکردهای جدیدی برای خود پدید آورده، از این رهگذر، کارآمدی بالاتری نیز کسب کند. آنچه مهم است اینکه اقتصاد تاب آور توان مدیریت تغییرهای مثبت و منفی را دارد و می تواند از آنها در جهت اهداف خود بهره برداری کند. (دری نوگرایی و صالح اصفهانی، ۱۳۹۲: ۴۵) از این رو می توان اقتصاد مقاومتی را به صورت راهبردی تعریف کرد که در پی کاهش آسیب پذیری و افزایش تاب آوری است. به عبارت دیگر، نتیجه اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که افزون بر آسیب پذیری پایین به ویژه آسیب پذیری ناشی از سیاست گذاری قابلیت جذب، مدیریت و بهره برداری از شوک های مثبت و منفی پدیدآمده بر اثر تحول ها را دارد. (ابونوری و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۵)

برای تحلیل اقتصاد مقاومتی دو رویکرد وجود دارد: اول، رویکرد مدیریت ریسک که در این رویکرد میزان احتمال شکست سیستم مورد محاسبه قرار می گیرد و سعی می شود از ورود به حوزه هایی که ریسک بالایی دارد، پرهیز شود. دوم، رویکرد مهندسی مقاومت که در این رویکرد روشهای تقویت مقاومت سیستم و همچنین ایجاد انعطافپذیری بیشتر در برابر فشارهای وارده مورد مطالعه قرار می گیرد و از طریق تقویت سیستم، مقاومت در برابر فشار وارده افزایش می یابد، به طوریکه آسیب به حداقل برسد. اقتصاد مقاومتی یک مکتب یا نگرش اقتصادی نیست، بلکه تجلی حیات فردی و جمعی انسان انقلابی در ساحت اقتصاد است که مبتنی بر اندیشه انقلاب اسلامی سیر می کند و به مجاهده می پردازد و اقتصاد را در محور باورها و اعتقادات مقاوم می

سازد. (اسدی، ۱۳۹۳: ۶۶) اقتصاد مقاومتی، راهبردی است درون‌زا و خودجوش که در پهنه مفهومی خود، از سویی شعارها، راهبردها و سیاستهای سال گذشته نظام اسلامی را مانند جهاد اقتصادی، اصلاح‌الگوی مصرف، همت مضاعف و کار مضاعف، حماسه سیاسی - حماسه اقتصادی، نوآوری و شکوفایی، اتحاد ملی و انسجام اسلامی، همبستگی ملی و مشارکت عمومی، پاسخگویی مسئولان، نهضت خدمت‌رسانی به مردم، عزت و افتخار حسینی، رفتار علوی، صرفه‌جویی، پرهیز از اسراف، انضباط اقتصادی و مالی؛ وجدان‌کاری و انضباط اجتماعی را شامل می‌شود و از سوی دیگر، این راهبرد متناظر با روح کلی و سیاستهای کلان و شاخص‌های اسناد بالادستی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری طراحی و ابلاغ شده است.

الگوی اقتصاد مقاومتی

با توجه به اصول گفته شده، الگویی متناسب با کشور ایران در زمینه اقتصاد مقاومتی معرفی می‌شود. اصول و الگوی اقتصاد مقاومتی به شاخص‌های زیر تقسیم و تعریف می‌شود:

۱. مبارزه با فساد

فساد در همه جنبه‌های آن، برای یک اقتصاد مضر و منحرف‌کننده است. اگر فساد را مجموعه عواملی خلاف قانون بدانیم، دامنه آن بسیار گسترده می‌شود و مواردی همچون رشوه و ارتشا، قاچاق، فساد اداری، گریز از مالیات، اختلاس و مواردی از این دست را شامل می‌شود. از مهمترین عوامل ایجاد فساد در هر اقتصاد و کشوری، علل اقتصادی است. برای توجیه این مفهوم می‌توان گفت که از مهمترین وظایف دولتها، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری درخصوص مسائل کلان اقتصادی کشور و هدایت آن به سمت اهداف تعیین شده است. کوتاهی و غفلت دولت در این زمینه منجر به اختلال در کشور خواهد شد. در همین راستا برخی از عوامل اقتصادی که نقش مهمی در شکل‌گیری فساد دارند عبارتند از: حجم تصدی‌گری‌های دولت، انحصارات دولتی در اقتصاد، سوءاستفاده از اطلاعات بازار، رکود و تورم ناشی از بی‌ثباتی برنامه‌ها، محدودیتهای مختلف در واردات و صادرات، دخالت‌های دولت در توزیع کالا و قیمت

گذاری نامتناسب، عدم تعادل بین عرضه و تقاضای کل کشور، ضعف سرمایه گذاری در امور اجتماعی و زیربنایی.

۲. مردمی کردن اقتصاد

ورود مردم به فعالیتهای تولیدی و خدماتی ضرورت دارد. در اقتصاد، در مواردی که شکست بازار را داشته باشیم، ورود دولت توجیه اقتصادی دارد. شکست بازار یک مفهوم در تشریح نظریه اقتصادی است. زمانی که تخصیص کالاها و خدمات توسط یک بازار آزاد کارآمد نیست، در این صورت است که لزوم دخالت دولت توجیه میشود. مثلاً کالاها و خدمات عمومی یا امنیت کشور که بخش خصوصی علاقه و انگیزهای برای ورود به آن را ندارد. اینها مواردی است که دولت برای تأمین نیازها در این بخشها باید ورود کند تا عدم تعادل به وجود آمده رفع شود.

۳. کاهش وابستگی به اقتصاد تک محصولی نفت

موضوع نفت در ایران از اهمیت خاصی برخوردار است به طوری که باعث شده تکیه اقتصاد کشور بر نفت باشد. تحریم خرید نفت از طرف کشورهای مخالف، تحریم خریداران نفت ایران، تحریم سرمایه گذاران در صنعت نفت کشور و ... از جمله راههایی است که دشمن برای مقابله با کشور انتخاب کرده است. (کامفیروزی، بنیادی نائینی و موسوی، ۱۳۹۲: ۵۲-۸۷) برای کاهش وابستگی به نفت، در برنامه های سوم، چهارم و پنجم توسعه کشور، راهکارهایی اندیشیده شده بود. اما متأسفانه به دلایل ساختاری و نیز افزایش بیسابقه درآمدهای ارزی به خصوص در برنامه چهارم توسعه، نه تنها از وابستگی کشور به نفت کاسته نشد، بلکه میزان وابستگی افزایش یافته است. البته در سیاستهای کلی برنامه پنجم و نیز قانون برنامه پنجم توسعه، نگاه ویژه ای به کاهش وابستگی به نفت شده است.

۴. مدیریت صرفه جویی در مصرف

امام علی (ع) می فرمایند: قناعت بزرگترین سرمایه است و بنابراین اصلاح الگوی مصرف و مدیریت مصرف یکی از دیگر مواردی است که برای پیشبرد اهداف اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است. با مدیریت و فرهنگ سازی برای مصرف صحیح، امکان سرمایه گذاری در اقتصاد فراهم می شود و از این طریق می توان موجبات رشد و شکوفایی اقتصادی جامعه را فراهم کند. مصرف به معنای عام آن عبارت است از: استفاده کالاها و خدمات برای بهره مندی و رضایت. با توجه به تعریف اولیه از اقتصاد مقاومتی که گفته شد اقتصادی است که در شرایط تحریم و فشار نیز موجبات رشد اقتصادی را مهیا میکند، مدیریت مصرف نیز در راستای اهداف اقتصاد مقاومتی قرار می گیرد. البته الگوی مصرف در جامعه تحت تأثیر عوامل گوناگونی است که یکی از مهمترین آنها ساختار فکری و فرهنگی جامعه است. با توجه به اشتراکات اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی می توان گفت که مدیریت مصرف از پایه های اقتصاد است. (کریم، ۱۳۹۳: ۹)

۵. حرکت براساس برنامه های کلان نظام

امام علی (ع) می فرمایند: برنامه ریزی درست، ثروت کم را افزایش می دهد و برنامه ریزی نادرست، ثروت بسیار را نابود میکند. این سخن امام، اهمیت برنامه ریزی و تأثیر آن در اقتصاد را نشان می دهد. برنامه ریزی کوششی است برای هماهنگ ساختن تصمیم گیریهای اقتصادی در بلندمدت و هدف آنها جهت دادن و سرعت بخشیدن به توسعه یک کشور است. فرایند برنامه ریزی متضمن گزینش هدفهای اجتماعی، تعیین هدفهای مشخص و همچنین سازماندهی چارچوبی برای اجرا، هماهنگی و نظارت بر برنامه است. با توجه به اینکه هدف نهایی برنامه ریزی، رشد و توسعه اقتصادی است، در نتیجه میتوان برنامه ریزی و حرکت براساس برنامه را نیز به عنوان یکی از جنبه های اقتصاد مقاومتی ذکر کرد. هدف اصلی از برنامه ریزی، تخصیص بهینه منابع و کارایی اقتصادی است.

6. وحدت و همبستگی بین مسئولان و مردم

از جمله مهمترین مواردی که می تواند به تحقق اقتصاد مقاومتی کمک کند، وحدت و رابطه خوب مردم و مسئولان است. باید رابطه مردم و مسئولان صمیمانه باشد تا بدین وسیله مردم، فعالیتها، نظریات و پیشنهادهای سازنده و مفید خود را با علاقه و مشتاقانه مطرح کنند. باید مردم از مشکلات و موانعی که ممکن است در راه رسیدن به هدف با آن روبرو باشند، آگاه شوند. این آگاهی باعث به وجود آمدن کشش و ظرفیت درونی در مردم خواهد شد که در حل مشکلات، کمک مؤثری خواهد کرد. از جمله دیگر مواردی که از مصادیق اقتصاد مقاومتی است، جهاد اقتصادی و نقش مسئولان در ایفای جهاد اقتصادی است. مسئولان باید با وحدت عمل خود و به صورت جهادی برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی تلاش کنند و عمل آنها باید به صورت مشخص فضایی را برای جهاد و تلاش سایر نیروها فراهم کند.

7. متنوع سازی فعالیتهای اقتصاد

ویژگی دیگر اقتصاد مقاومتی که اهمیت بالایی دارد، متنوع بودن فعالیتهای اقتصادی و تولیدی است. متنوع سازی اقتصادی باعث می شود که در صورت وقوع تکانه در یکی از بخشهای اقتصادی، کل فعالیتهای اقتصاد تحت تأثیر قرار نگیرد. یکی از ویژگیهای یک اقتصاد مقاوم، متنوع بودن و انعطاف پذیری فعالیتهای اقتصادی، تولیدی و عدم اتکا به یک یا چند بخش است. متنوع سازی اقتصاد باعث می شود که در صورت وقوع لرزه در یکی از بخشهای اقتصادی، کل فعالیتهای اقتصاد تحت تأثیر قرار نگیرد. (کریم، ۱۳۹۳: ۱۲)

8. حمایت از تولید ملی

یکی از مهم ترین عوامل رشد و شکوفایی اقتصاد کشور، ارتقای تولید ملی است؛ زیرا تولید ملی و رونق اقتصادی رابطه تنگاتنگی با هم دارند. افزایش تولید در بلندمدت، کاهش تورم و خروج از رکود را در پی خواهد داشت؛ بازارها رونق خواهند گرفت و نرخ اشتغال افزایش می یابد و این ها همه یعنی رشد و شکوفایی اقتصاد؛ ضمن اینکه

رشد اقتصادی نیز دلالت بر افزایش تولید و درآمد سرانه ملی دارد. (مومنی، ۱۳۹۶: ۱۷-۱۹)

۹. شرکتهای دانش بنیان و اقتصاد مقاومتی

حضرت علی (ع) می فرمایند: دانش قدرت است و بنابراین استفاده از علم در اقتصاد بومی، ضروری است. اقتصاد مقاومتی نقش مهمی در حرکت ملت ایران به سمت اهداف کشور دارد. به این معنا که یکی از ابزارهایی که به رغم فشارها و کارشکنیهای کشورهای متخاصم میتواند کشور را رو به جلو حرکت دهد، اقتصاد مقاومتی است. علت آنکه اقتصاد مقاومتی در این برهه از زمان دارای اهمیت دوچندان شده است، این است که کشور ایران در زمان حال در حال یک تغییر و تحول اساسی است. نشانه های آن نیز وجود نیروی جوان پرنشاط، بلوغ فکری نظام و آمادگی برای شروع یک جهش اساسی دانش بنیان در همه عرصه ها است. به همین دلیل نیز کشورهای معاند اقدام به مشکل سازی و سنگ اندازی در راه پیشرفت کشور دارند.

ارکان اقتصاد مقاومتی از منظر رهبری

الف: مقاوم بودن اقتصاد

وظیفه این است که سعی کنیم کشور را مستحکم، غیر قابل نفوذ، غیر قابل تأثیر از سوی دشمن، حفظ کنیم و نگه داریم؛ این یکی از اقتضائات «اقتصاد مقاومتی» است. در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند. (سخنرانی رهبری، ۱۳۹۱/۶/۲)

ب: استفاده از همه ظرفیتهای مردمی و مبارزه با مفاسد اقتصادی

به بخش خصوصی باید توجه جدی نمود. برای اینکه به بخش خصوصی توانبخشی بشود؛ حالا از طریق بانکهاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود. بالاخره اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد

اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. یکی از شرائط، استفاده از همه ظرفیتهای دولتی و مردمی است؛ هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحب‌نظران می‌دهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود.

اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد. مردمی کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است. این سیاست‌های اصل ۴۴ که اعلام شد، می‌تواند یک تحول به وجود بیاورد؛ و این کار باید انجام بگیرد. البته کارهایی انجام گرفته و تلاشهای بیشتری باید بشود. بخش خصوصی را باید توانمند کرد، هم به فعالیت اقتصادی تشویق بشوند؛ هم سیستم بانکی کشور، دستگاه‌های دولتی کشور و دستگاه‌هایی که می‌توانند کمک کنند - مثل قوه مقننه و قوه قضائیه - کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند.

به مردم هم باید واقعاً میدان داده شود. واقعاً نمی‌شود ما کار اقتصادی درست و قوی بکنیم، اما با مفاسد اقتصادی مبارزه نکنیم؛ این واقعاً نشدنی است. تصور نشود ما می‌توانیم سرمایه‌گذاری مردمی و کار سالم مردمی داشته باشیم، بدون مبارزه با مفاسد اقتصادی؛ و تصور نشود که مبارزه با مفاسد اقتصادی موجب می‌شود که ما مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری مردم را کم داشته باشیم. باید با چشم‌های تیزبین، ریزبین و دوربین مراقبت کنید که کسانی نیایند به عنوان ایجاد اشتغال و ایجاد کار و کارآفرینی تسهیلات بانکی بگیرند، اما کارآفرینی واقعی انجام نگیرد. این را باید مراقبت کنید؛ هم شما مراقبت کنید، هم قوه قضائیه مراقبت کند. (سخنرانی رهبری، ۱۳۹۱/۶/۲)

ج. فرهنگ و روحیه جهادی

روحیه جهادی لازم است. ملت ما از اوّل انقلاب تا امروز در هر جایی که با روحیه جهادی وارد میدان شده، پیش رفته؛ این را ما در دفاع مقدّس دیدیم، در جهاد سازندگی دیدیم، در حرکت علمی داریم مشاهده می‌کنیم. اگر ما در بخش‌های گوناگون، روحیه جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدّیت و به صورت خستگی‌ناپذیر انجام دهیم - نه فقط به عنوان اسقاط تکلیف - بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت.

اگر کشور بتواند در زمینه مسائل اقتصادی، یک حرکت جهادگونه‌ای انجام بدهد، این گام بلندی را که برداشته است، با گامهای بلند بعدی همراه کند، بلاشک برای کشور و پیشرفت کشور و عزت ملت ایران تأثیرات بسیار زیادی خواهد داشت. ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه حل مشکلات اقتصادی به همهی دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملتها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه اسلام و با تعالیم اسلام چگونه میتواند پیشرفت کند. (سخنرانی رهبری، ۱۳۹۰/۱/۱)

د: حمایت از تولید ملی

رهبری در ابتدای سال ۱۳۹۶ مهم ترین مسئله کشور را اقتصاد مقاومتی دانسته و موضوع تولید را از جمله عوامل رشد و شکوفایی اقتصاد کشور به حساب آوردند. همچنین در تکمیل پازل اقتصاد مقاومتی در نام گذاری سال ۱۳۹۷ حمایت از کالای ایرانی را مهم ترین عامل تحقق آن دانستند و متذکر شدند که اگر تولید ملی شتاب بگیرد بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. در جای دیگر از تولید داخلی به عنوان ستون فقرات اقتصاد مقاومتی یاد کردند و این خود دلالتی دیگر بر اهمیت راهبردی موضوع تولید ملی و ارتباط آن با اقتصاد مقاومتی و پیشرفت کشور است. وی در بیانات خود اشاره نمودند که "یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است؛ صنعت و کشاورزی. حمایت از تولید ملی، آن بخش درون زای اقتصاد ماست و به این بایستی تکیه کرد. واحدهای کوچک و متوسط را فعال کنید. البته خوشبختانه واحدهای بزرگ ما فعالند، خوبند و سوددهی شان هم خوب است، لیکن باید به فکر واحدهای متوسط و کوچک باشید؛ اینها خیلی مهم است، اینها در زندگی مردم تأثیرات مستقیم دارد." (سخنرانی رهبری، ۱۳۹۱/۶/۲)

اگر به توفیق الهی و با اراده و عزم راسخ ملت و با تلاش مسئولان، بتوانیم مسئله تولید داخلی را، آنچنان که شایسته‌ی آن است، رونق ببخشیم و پیش ببریم، بدون تردید بخش عمده‌ای از تلاشهای دشمن ناکام خواهد ماند. پس بخش مهمی از جهاد اقتصادی، مسئله‌ی تولید ملی است. اگر ملت ایران با همت خود، با عزم خود، با آگاهی و هوشمندی خود، با همراهی و کمک مسئولان، با برنامه‌ریزی درست بتواند مشکل تولید

داخلی را حل کند و در این میدان پیش برود، بدون تردید بر چالشهایی که دشمن آن را فراهم کرده است، غلبه کامل و جدی پیدا خواهد کرد.

اقتصاد داخلی به معنای حقیقی کلمه استحکام پیدا خواهد کرد. اینجاست که دشمن با مشاهده‌ی این وضعیت، مأیوس و ناامید خواهد شد. وقتی دشمن مأیوس شد، تلاش دشمن، توطئه‌ی دشمن، کید دشمن هم تمام خواهد شد. سهم دولت در این کار، پشتیبانی از تولیدات داخلی صنعتی و کشاورزی است. سهم سرمایه‌داران و کارگران، تقویت چرخه‌ی تولید و ایتقان در کار تولید است. و سهم مردم - که به نظر من از همه‌ی اینها مهمتر است - مصرف تولیدات داخلی است. (سخنرانی رهبری، ۱۳۹۱/۱/۱)

ه: مدیریت منابع ارزی

مسئله منابع ارزی هم مسئله مهمی است که باید مدیریت دقیق بشود. (سخنرانی رهبری، ۱۳۹۱/۶/۲) از آنجایی که مسئله مقاومت و تصمیم برای مقاومت، امری صرفاً اقتصادی نیست؛ ولی تبعات اقتصادی را به دنبال دارد و ضمن اندازه‌گیری هزینه‌های مقاومت، زمینه تصمیم‌گیری لازم را بر اساس اطلاعات درست و در قالب تحلیل هزینه-فایده علمی فراهم می‌کند تا اولاً هزینه‌های تصمیم‌گیری را بدانند و ثانیاً کم هزینه‌ترین راه ممکن را برای مقاومت برگزینند.

و: مدیریت مصرف

مسئله مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیر دولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند؛ که این واقعاً جهاد است. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه‌ی تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی‌سبیل‌الله را دارد. ما یک ملت مسلمانِ علاقه‌مند به مفاهیم اسلامی هستیم، اینقدر در اسلام اسراف منع شده و ما

متأسفانه در زندگی مان اهل اسرافیم! بخش عملیاتی‌اش هم به نظر من از خود دولت باید آغاز شود. به مصرف تولیدات داخلی هم اهمیت بدهید. (سخنرانی رهبری، ۱۳۹۱/۵/۱۶)

یک بُعد دیگر این مسئله تعادل در مصرف و مدیریت مصرف این است که ما از تولید داخلی استفاده کنیم، این را همه دستگاه‌های دولتی توجه داشته باشند- دستگاه‌های حاکمیتی، مربوط به قوای سه‌گانه - سعی کنند هیچ تولید غیر ایرانی را مصرف نکنند؛ همت را بر این بگذارند. آحاد مردم هم مصرف تولید داخلی را بر مصرف کالاهای با مارک‌های معروف خارجی - که بعضی فقط برای نام و نشان، برای خودنمایی کردن، در زمینه‌های مختلف دنبال مارک‌های خارجی می‌روند - ترجیح بدهند. خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند. (سخنرانی رهبری، ۱۳۹۲/۱/۱)

ز. نقش شرکتهای دانش‌بنیان در اقتصاد مقاومتی و کاهش وابستگی به نفت

یک مسئله‌ی دیگر در سرفصل اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است. این بخش شرکتهای دانش‌بنیان و فعالیتهای اقتصادی دانش‌بنیان خیلی جاده باز و امیدبخشی است. ما استعدادهای برجسته‌ای داریم که می‌توانند در این مورد کمک کنند.

کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صد ساله ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیتهای اقتصادی درآمدزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگترین حرکت مهم را در زمینه اقتصاد انجام داده‌ایم. وقتی روی نفت فشار می‌آورند، ما دچار مشکل می‌شویم، این ناشی از چیست؟ ناشی از این است که ما تکیه‌مان را به نفت از بعد از دوره جنگ و پایان جنگ تا امروز، نتوانستیم کم کنیم، اگر ما تکیه‌مان را به نفت کم می‌کردیم، فشار بر روی نفت این‌قدر برای ما سخت تمام نمی‌شد. (سخنرانی رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴) اقتصاد ما دچار این اشکال است که وابسته به نفت است. ما باید اقتصاد خودمان را از نفت جدا کنیم؛ دولتهای ما در برنامه‌های اساسی خودشان این را بگنجانند.

امروز صنایع دانش‌بنیان از جمله‌ی کارهایی است که می‌تواند این خلأ را تا میزان زیادی پر کند. ظرفیتهای گوناگونی در کشور وجود دارد که می‌تواند این خلأ را پر کند.

(سخنرانی رهبری، ۱۳۹۱/۵/۳) همه مسئولان و دلسوزان کشور خود را موظف بدانند به ایجاد کار، به تولید، به کارآفرینی، به پر رونق کردن روزافزون این کارگاه عظیم؛ که کشور ایران حقیقتاً امروز یک کارگاه عظیمی است. (سخنرانی رهبری، ۱۳۸۹/۶/۱۶)

ح. توانمندسازی بخش خصوصی

تقویت و حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی در فعالیت‌های اقتصادی کشور برابر با سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی باید انجام پذیرد. (سخنرانی رهبری، ۱۳۸۹/۱۱/۲۹) مسئله فقط این نیست که ما بنگاه‌های اقتصادی را واگذار کنیم و بگوئیم واگذار شد، خودمان را خلاص کردیم؛ در کنار این واگذاری، کارهای دیگری لازم است: بایستی بخش خصوصی توانمند بشود، باید امکان مدیریت خوب پیدا کند. (سخنرانی رهبری، ۱۳۹۰/۵/۲۶) توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد و حمایت از آن جهت رقابت کالاها در بازارهای بین‌المللی باید انجام پذیرد. (سخنرانی رهبری، ۱۳۸۵/۴/۱۱)

بخش خصوصی را باید توانمند کرد؛ هم به فعالیت اقتصادی تشویق بشوند، هم سیستم بانکی کشور، دستگاه‌های دولتی کشور و دستگاه‌هایی که می‌توانند کمک کنند - مثل قوه مقننه و قوه قضائیه - کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند. (سخنرانی رهبری، ۱۳۹۱/۵/۳) لذا با توجه به تاکید مقام معظم رهبری به سیستم بانکی کشور و الگوی مدیریت آن، موضوع بانک و نظام تأمین مالی در اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جایگاه بانک و نظام تأمین مالی در اقتصاد مقاومتی ایران

اهمیت جایگاه بانک‌ها و نظام تأمین مالی در اقتصاد تا جایی است که رهبری به صراحت به آن اشاره کرده‌اند. در بند نهم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی توسط رهبری، به اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد و پیشگام در تقویت بخش حقیقی اقتصاد به ویژه در

راستای تقویت تولید ملی تأکید شده است. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر مد نظر قرار خواهد گرفت که بررسی اطلاعات و داده های مربوط به منابع چهارگانه تأمین مالی در سال های گذشته شامل نظام بانکی، بازار بورس، بودجه های عمرانی و سرمایه گذاری خارجی مؤید این مهم است که بانک ها بار اصلی تأمین مالی بخش های اقتصاد را در سال های اخیر بر عهده داشته اند و آسیب پذیری آنها به معنای آسیب پذیری اقتصاد بوده است.

از آنجا که حوزه عمل نظام بانکی کلیت اقتصاد ملی را شامل می شود و با توجه به این که نظام تأمین مالی در کشور ما بانک محور است، نظام بانکی نیز تمام بند های سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی را شامل خواهد شد. با این وجود، صراحت بندهای ۹ و ۱۹ سیاست های یادشده این ارتباط را به نحو روشن تری آشکار می سازد. در بند ۹ اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی به طور مستقیم بانک را به عنوان بخش مهم از نظام مالی مخاطب قرارداده و ایجاد شرایطی را که به نیازهای اقتصاد ملی پاسخ دهد، از آن مطالبه کرده است. در بند ۱۹ نیز شفاف سازی اقتصاد و سالم سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت ها و زمینه های فسادزا در حوزه های پول، تجاری و ارزی مورد اشاره قرار گرفته که نظام بانکی از مخاطبان اصلی آن است. (ابراهیمی و سیف، ۱۳۹۴: ۶۷)

بندهای ۲۴ گانه سیاستهای ابلاغی اقتصاد مقاومتی تمام ارکان اقتصادی اعم از دولت، بخش خصوصی و بخش تعاونی را شامل می شود. بخشهای تولیدی و خدماتی نیز به تفکیک نقش آفرینی در اقتصاد می توانند به خوبی به وظایف خود در تحقق اقتصاد مقاومتی پی ببرند. با اینکه تمام بخشهای اقتصادی باید ۲۴ بند ابلاغی را در طرح ریزی برنامه هایشان لحاظ دارند ولی برخی از بندها به صورت مستقیم ارتباط با بخشهایی از حوزه های اقتصادی پیدا می کنند. نظام بانکی به عنوان مهمترین رکن خدماتی با در اختیار داشتن حجم عظیمی از نقدینگی جامعه می تواند با ایفای صحیح وظایف ذاتی خود که همانا هدایت صحیح منابع به سمت اشتغال مولد و پایدار و توزیع عادلانه تسهیلات بین بخشهای مختلف جامعه براساس بهره وری آنها است گامهای موثری در

تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی بردارد. برخی از بندهای سیاستهای ابلاغی ارتباط مستقیمی با عملکرد نظام بانکی دارد. (ضیایی، نیکو مرام و حمدی؛ ۱۴۰۰: ۱-۲۸)

نظام بانکی در جهت نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی و مساعدت سایر بخشهای اقتصادی در این مسیر لازم است تا گامهای زیر را بردارد:

- ۱- به منظور افزایش بهره وری، اصلاح ساختاری انجام پذیرد تا هزینه ها کاهش یابد.
- ۲- بهینه سازی ترکیب سبد دارایی ها به منظور کاهش ریسک انجام پذیرد.
- ۳- تعریف قراردادهای و ابزارهای مالی جدید به جهت پوشش بیشتر بخشهای مختلف

اقتصادی

- ۴- تسهیلات در قالب حمایت از تولید ملی و خدمات دانش بنیان پرداخت شود.
 - ۵- در بخشهای مولد با رویکرد افزایش اشتغال سرمایه گذاری انجام پذیرد.
 - ۶- ادغام برخی بانک ها و موسسات مالی کوچک به جهت افزایش توان مالی و مدیریتی و استفاده از مزیتهای ادغام
 - ۷- امضای معاهدات بین المللی ضد پولشویی و استفاده از توان همکاری در این حوزه با جامعه جهانی به جهت افزایش اطمینان جامعه جهانی و شفافیت مالی
 - ۸- افزایش قدرت و استقلال بانک مرکزی در جهت اتخاذ سیاستهای پولی مناسب
- البته نظام بانکی بخشی از نظام پولی و مالی کشور است و تا زمانیکه سایر بخشهای مالی و پولی اصلاح نشوند، صرف تحولات در نظام بانکی کارساز نخواهد بود. وجود موسسات مالی و اعتباری غیر مجاز، عدم اتخاذ سیاستهای واحد و با ثبات در حوزه های مالی، عدم ثبات در متغیرهای کلان اقتصادی، بی ثباتی و نااطمینانی در سایر بازارهای مالی از جمله بازار سرمایه و عدم وحدت رویه سیاسی و اقتصادی در ارکان تصمیم گیرنده نظام باعث ناکارایی سیاستهای اتخاذی در حوزه نظام بانکی و مانع تحولات آن خواهد شد. (مظلوم پور، ۱۳۹۵: ۷۸)

نقش بانک‌های تجاری و تخصصی در اقتصاد مقاومتی

فرآیند توسعه کشورها در حوزه اقتصادی مرهون اقتدار بانک‌های تجاری و تخصصی می‌باشد. نقش این بانک‌ها بسیار مهم و عامل انتقال‌دهنده سیاست‌های اقتصادی دولت به بخش‌های مربوطه هستند و با برنامه‌ریزی‌های صحیح، منابع مالی جمع‌آوری شده را در بخش‌های مختلف اقتصادی توزیع می‌نمایند. (قلیچ و خوانساری، ۱۳۹۴: ۳۴)

در حکومت اسلامی بانک و بانکداری باید کاملاً منطبق با موازین اسلام اداره شود تا به عنوان اساس اقتصاد اسلامی نقش موثری را ایفا نماید. لذا نظام بانکی در ساختار اقتصادی هر کشوری در جایگاه مدیریت توزیع منابع پولی در میان فعالان بخش خصوصی و همچنین بازوان اجرایی نهادهای ناظر بر اقتصاد برای کنترل و هدایت نقدینگی در جامعه قرار دارد. (جمالی، ۱۳۹۴: ۹۱-۱۰۶) رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی از طریق بانک‌های توسعه‌ای در سیستم مالی و بانکی کشور، نیازمند اصلاح ساختار نظام مالی و بانکی و تعیین محوریت مستقل می‌باشد. این موضوع باعث می‌گردد تا از تحریم به منظور پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی استفاده شود و با اعتلای محورهای اقتصادی، در بانک‌ها، بودجه کشور در راستای استفاده بهینه با تعریف کارآمدی منابع، با سازوکار ارزش افزوده در قالب عدالت قرار گیرد. از سوی دیگر، افزایش منابع مالی در بانک‌های جمهوری اسلامی، از جمله ضروریاتی است که با شاخص اقتصاد مقاومتی در سیستم مالی کشور نشان داده شود. (سیف‌لو، ۱۳۹۵: ۵۵-۸۵)

صنعت بانکداری به قدری مهم است که رهبری در بندهای نهم و نوزدهم سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، برای آن جایگاهی قائل شده است. بند نهم به اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور پرداخته و پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی را مدنظر قرار داده است. اولین هدف، ثبات در اقتصاد ملی از طریق افزایش تاب‌آوری آن در مقابل شوک‌ها و تکان‌های وارده امکان‌پذیر است. (غیاثوند و عبدالشاه، ۱۳۹۴: ۱۶۲) اکثر بحران‌های مالی جهان از بروز بحران در سیستم بانکی نشات گرفته و بعد از آن به بخش‌های مختلف اقتصاد تسری یافته است. لذا برقراری ثبات در سیستم بانکی و افزایش تاب‌آوری آن، یکی از پیش‌شرط‌های دستیابی به ثبات در اقتصاد است که با توجه سهم بالای بازار پول در کشور ما، این مسأله

از اهمیت دوچندان برخوردار می‌باشد. (بهشتی لنگرودی، ۱۳۹۱) دومین هدف، دستیابی به منابع مالی است که بانک‌ها نقش غیرقابل انکاری را در تأمین آن ایفا می‌کنند. همچنین بند نوزدهم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به شفاف‌سازی اقتصادی می‌پردازد. یکی از حوزه‌های بسیار مهم در شفافیت اقتصادی و مالی، شفافیت در حوزه بانکی است؛ چراکه بانک‌ها یکی از اصلی‌ترین ارکان اقتصادی یک کشور محسوب می‌شوند. به این منظور، حفظ سلامت و ثبات بانک‌ها و همچنین نقش مهم آن‌ها در هدایت اقتصاد کشور، نیازمند شفافیت مناسب در بانک‌ها است؛ زیرا شفافیت ضعیف، ریسک دارایی بانک‌ها را با ابهام روبه‌رو می‌کند. (نجفی علمی، ۱۳۹۴: ۸۳) لذا در بسیاری از کشورها، از مدت‌ها پیش با تصویب مقررات مختلف، درصدد تحقق هرچه بیشتر این موضوع گام برداشته‌اند. در نتیجه وظیفه در نظر گرفته شده برای بانک‌ها در بند نوزدهم سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی عبارت است از این‌که، بانک‌ها از طریق شفاف‌سازی فرآیندهای ارائه خدمات بانکی و رعایت قوانینی مانند مبارزه با پولشویی و نظارت دقیق بر نحوه عملکرد شعب و پرسنل خود، مانع از بروز زمینه‌های فسادزای مالی و هرگونه سوءاستفاده احتمالی شوند و به این ترتیب از انحراف منابع مالی که می‌تواند صرف کارآفرینی و تأمین منابع مورد نیاز صنایع و فعالیت‌های اقتصادی کشور گردد به سمت سفته‌بازی و... جلوگیری می‌نمایند.

بدین ترتیب در اقتصاد مقاومتی، بانکداری مقاومتی به معنای نوعی رویکرد بانکداری می‌باشد که علاوه بر مقاوم‌سازی ساختار اقتصادی کشور از طریق افزایش تاب‌آوری در مقابل شوک‌های خارجی و شفاف‌سازی فرآیندهای بانکی و مالی، از طریق استقرار نظام اعتبارسنجی مشتریان، با هدایت منابع مالی خود به منظور تشویق خرید کالاهای ایرانی و هدایت منابع کلان بانکی به منظور تشویق تولیدکنندگان کالاهای ایرانی به سمت گروه‌ها و صنایع دارای اولویت در خودکفایی اقتصادی کشور اقدام نماید و در جهت سهولت رویه‌های بانکی در راستای تشویق افزایش تولیدات داخلی و افزایش صادرات، زمینه تحقق اقتصاد مقاومتی را تأمین کند.

چالش‌های پیش روی شبکه بانکی و الگوی مدیریت بانکهای تجاری در ایران

برخی کارشناسان اقتصادی معتقدند که نظام بانکداری ایران بزرگترین چالش پیش روی اقتصاد ایران است. وقتی سخن از "چالش" به میان می‌آید تصور عمومی بر آن است که وضعیت خطرناک است و ممکن است تبعات منفی‌ای در راه باشد، اما واقعیت این است که در کنار هر چالش، فرصت‌های فراوانی وجود دارد که می‌تواند به پیشرفت و توسعه منجر شود به ویژه در دوران پساتحریم که درهای اقتصاد ایران به روی جهان بازتر می‌شود و اقتصاد ایران مسیر هموارتری برای رهایی از رکود پیش رو دارد. از سوی دیگر برخی دیگر از کارشناسان معتقدند که این کیفیت و ساختار اقتصادی کشور است که برای بانک‌ها مشکل‌آفرین است چرا که این بانک‌ها هستند که ماحصل دستاوردهای نقدی اقتصاد کشور را مدیریت می‌کنند. اما به نظر می‌رسد عامل اصلی مشکلات نظام بانکی از ضعف مدیریت، ساختار نظام بانکی و قوانین حاکم بر آن نشات می‌گیرد. (اردکانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۳-۸۷) در اینجا به طور خلاصه اهم مشکلات موجود در نظام بانکی ایران و راهکارهای برون رفت از این وضعیت ارایه شده است.

مشکلات موجود در نظام بانکی ایران

الف) در بخش تجهیز منابع

رشد متوسط سپرده‌ها با افزایش نقدینگی متناسب است اما چرا با وجود متوسط رشد نقدینگی ۲۴٪ و با وجود رکود حاکم بر بازار، دست اندرکاران اقتصادی و همه بانک‌ها همگی اذعان دارند بانک‌ها فاقد منابع برای پرداخت تسهیلات هستند.

۱. به دلیل معافیت درآمد ناشی از سپرده‌گذاری، همچنین پرداخت سود با نرخ بالا بنا به دلایل گفته شده فوق از سوی بانک‌ها، میل به سپرده‌گذاری و عطش جابجایی سوداگران آن را نزد شبکه بانکی زیاد کرده است و حتی تعداد قابل توجهی از بنگاه‌های اقتصادی نه تنها منابع جدیدی برای بسط و توسعه فعالیت خود به کار نمی‌گیرند بلکه قسمتی از سرمایه در گردش مورد نیاز خود را نیز از گردونه تولید خارج و در بانک‌ها سپرده‌گذاری کرده و بدون دردسر و بروز چالش با کارگران و سازمان تامین اجتماعی و بدون مشکل خاص، از درآمد آن بهره می‌برند.

۲. نرخ تورم دو رقمی نقطه به نقطه و انتظار بالای مردم که قدر مسلم از نرخ سود تسهیلات مصوب شبکه بانکی بیشتر است و سایر موارد به شرح آمده در بند ب، منجر به تقاضای سوداگرانه برای دریافت تسهیلات شده است.

بی شک موارد فوق از یک سو و موضوع موسسات اعتباری غیرمجاز همچنین تریبون‌های گوناگونی که خواسته و یا ناخواسته به سلب تدریجی اعتماد عمومی نسبت به شبکه بانکی دامن می‌زنند از سوی دیگر، یکی از بزرگترین چالش‌های دولت دوازدهم خواهد بود.

۳. بالا بودن نرخ سود سپرده‌ها و تطبیق نداشتن آن با نرخ تورم منجر به ناهنجاری‌های اقتصادی زیر شده است.

کاهش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری، کاهش انگیزه مصرف و به تبع آن تشدید رکود؛ تشدید رکود مسکن و به دنبال آن افزایش بیکاری و در نهایت افزایش مطالبات غیر جاری

۴. دولتی بودن تفکر مدیران ارشد بانکی و عدم تفکر رقابت سالم به نحوی که برای به دست آوردن منابع از هر ترفندی بر علیه یکدیگر استفاده می‌نمایند بدون آنکه بدانند همه در یک کشتی هستند و نجات یک بانک به تنهایی امکان‌پذیر نیست. این مطلب زمانی خود را بیشتر نشان می‌دهد که برای پرهیز از جریمه ۳۴٪ اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی، بانک‌ها که با نرخ ۳۴٪ جریمه می‌شوند، ناچاراً نسبت به جذب منابع با هر نرخ زیر ۳۴٪ تن خواهند داد.

۵. عدم تعادل بین دارایی‌ها و بدهی‌ها، به نحوی که بدهی‌ها هر لحظه و با هر ناهنجاری اجتماعی پتانسیل درخواست نقد شدن را دارد ولی دارایی‌ها به ویژه دارایی‌های سمی از چنین ویژگی برخوردار نیستند.

۶. عدم تعادل بین درآمدها و هزینه‌ها

عمده هزینه‌های بانک‌ها پرداخت سود به سپرده‌گذاران است که در پایان هر ماه به دارندگان پرداخت می‌شود اما بیش از ۸۰٪ درآمدهای آن‌ها ناشی از پرداخت تسهیلات و غیرنقدی است.

۷. عدم امکان ارتباط مناسب با بانک‌های بزرگ بین‌المللی به دلیل خودداری از امضاء پروتکل با بانک‌های ذی‌ربط به ویژه قانون شمول مالیات بر حساب‌های خارجی شهروندان آمریکا FATCA و عدم رعایت کامل قانون FATF (مبارزه با پولشویی) و سایر قوانین

ب) تخصیص منابع

۱. گیرندگان تسهیلات

قیمت تمام شده بالای پول که عمده‌ترین محصول شبکه بانکی است، همچنین کمبود منابع بنا به دلایل گفته شده در بالا، منجر به عدم رعایت نرخ سود مقرر تسهیلات، توسط بانک‌ها شده است. به علت عدم بازدهی به‌کارگیری این منابع با این نرخ سود (به طور متوسط حداقل ۲۳٪ برای دریافت‌کنندگان تمام خواهد شد). در بخش‌های مختلف اقتصادی عمدتاً سه تقاضا برای دریافت تسهیلات در شبکه بانکی شکل گرفته است:

- ۱.۱. درخواست برای تمدید تسهیلات قبلی به دلیل عدم توان تسویه آن.
- ۱.۲. به منظور دریافت تسهیلات برای حفظ وضعیت شرایط موجود خود در بازار.
- ۱.۳. دریافت تسهیلات برای نپرداختن آن و نهایتاً تهاتر آن با املاک خود که فاقد مشتری است.

با توجه به شرایط منابع و مصارف موجود، بانک‌ها از پذیرش مشتریان جدید خودداری کرده و اغلب گیرندگان تسهیلات، مشمول سه طبقه فوق هستند. در نتیجه ریسک اعتباری آنها به شدت افزایش یافته است.

۲- مطالبات غیرجاری

بی‌شک تداوم وضعیت گفته شده در بالا، نه تنها سر و سامان دادن به وضعیت سپرده‌پذیری بانک‌ها را امکان‌پذیر نمی‌کند بلکه خود پاشنه آشیل شبکه بانکی تلقی شده و حتی روابط آن‌ها را با شبکه بانکی بین‌المللی خدشه‌دار کرده و به نظر می‌رسد وضعیتی که بانک‌ها از میزان مطالبات غیرجاری خود آرایه می‌دهند تا حدودی خوش-بینانه باشد. موضوع مطالبات غیرجاری با توجه به تداوم قانونی تشویق مشتریان بدحساب به تدریج اپیدمی بدحسابی، به مشتریان خوش‌حساب نیز تسری پیدا کرده تا

جایی که برخلاف مفاد قانون بانکداری بدون ربا، اغلب بانکها مجبورند با گرفتن سود، قراردادهای قبلی را تمدید و یا تجدید کنند ولی تداوم این موضوع نه مقدر است و نه ممکن.

۲-۱- بدهی دولت به بانکها و بدهی دولت به بدهکاران

بسیاری از مشتریان بدهکار به بانکها به همان میزان و حتی کمتر از آن از دولت طلبکار هستند در نتیجه تا روشن نشدن وضعیت طلب آنها از دولت کماکان این قضیه تداوم خواهد داشت. گفتنی است انتشار اوراق خزانه نیز به علت درصد تنزیل بالا تاکنون چندان راهگشا نبوده است.

۲. وابستگی شدید درآمدهای بانک به سود دریافتی به نحوی که با هر کاهش سود منجر به عمیقتر شدن شکاف بین درآمدها و هزینههای بانکها شده است. (مجله صنعت حمل و نقل آنلاین، ۱۴۰۳)

ج) مدیریت دولتی شبکه بانکی

به دلیل اینکه مدیران فعلی شبکه بانکی اغلب عمده سوابق خود را در بانکهای دولتی و یا در شرکت‌های دولتی سپری کرده و همانطور که گفته شد فاقد دانش رقابتی هستند، این مطلب منجر به بروز رقابت ناسالم بین شبکه بانکی شده است.

نتیجه گیری و ارائه راهکارها

اقتصاد مقاومتی با پافشاری بر قطع وابستگی‌ها و تأکید بر مزیت‌های تولید در جهت تلاش برای خودکفایی، بازسازی و احیای اقتصاد ملی گام برمی‌دارد. دستیابی به اقتصاد مقاومتی نیازمند بسترسازی و ایجاد شرایط و زمینه‌هایی است که اگر تحقق نیابد نمی‌توان امید داشت که اقتصاد مقاومتی در کشور شکل گیرد. با دقت در شرایط تحریم و فشار موجود، اگر بتوان بهره‌وری نیروی کار را زیاد کرد یا اینکه نهادهای تولیدی با جهاد و از خود گذشتگی توان تولیدی را افزایش دهند، بدین ترتیب می‌توان زمینه رشد و شکوفایی را فراهم نمود و این خود زمینه ساز اقتصاد مقاومتی

است و از طرفی نیز با پیگیری مطالبات مقام معظم رهبری در رابطه با نامگذاری چندین سال گذشته و اثرات مثبت آن در اقتصاد، زمینه یک جهش در اقتصاد وجود دارد.

بانک و بانکداری نیز که قلب تپنده در اقتصاد کشور می باشد باید در حکومت اسلامی کاملاً منطبق با موازین اسلام اداره شود تا نقش خود را به خوبی ایفا نماید. لذا نظام بانکی در ساختار اقتصادی در جایگاه مدیریت توزیع منابع پولی در میان فعالان بخش خصوصی و همچنین بازوان اجرایی نهادهای ناظر بر اقتصاد برای کنترل و هدایت نقدینگی در جامعه قرار دارد. بانکداری اسلامی می تواند با بهبود فضای کسب و کار و درگیر نمودن بخش واقعی اقتصاد بسترساز اقتصاد مقاومتی و خلق حماسه اقتصادی باشد.

خبرگان صنعتی مهم ترین مشکل تولید و صنعت کشور را ضعف در حمایت سیاستی از تولید ملی و بازارهای پول و سرمایه می دانند. یافته ها از الگوی ساختاری تفسیری نشانگر آن است که ضعف در نگاه راهبردی به تولید ملی، ضعف در حمایت سیاستی از تولید ملی و قوانین کار تامین اجتماعی در بنیادی ترین لایه از الگوی ساختاری- تفسیری قرار می گیرد. از سوی دیگر، اساتید دانشگاهی و پژوهشگران ضعف در صادرات به علت بالا بودن هزینه تمام شده و پایین بودن کیفیت محصولات و شبکه بانکی و الگوی مدیریت بانکهای تجاری در ایران را معضل عمده قلمداد نموده اند. به منظور برون رفت از وضعیت فعلی دو راهکار متصور است:

• راهکارهای کوتاه مدت

- ۱- ممانعت از کوچ سپرده‌ها از بانکی به بانک دیگر که عمدتاً برای کسب سود بیشتر انجام می‌شود از طریق اختصاص شماره و ثبت سپرده‌های بالاتر از سقف ۵ میلیارد ریال در سامانه بانک مرکزی، به منظور کنترل کردن رعایت سود پرداختی بانک‌ها به سپرده‌گذاران، مشابه اخذ شماره "سپام" برای صدور ضمانت‌نامه

- ۲- تفاوت معنی‌دار قایل شدن سود بین سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و بلند مدت از طریق کنترل سامانه گفته شده در بند بالا به منظور بهینه کردن ترکیب منابع بانک‌ها و رعایت نرخ سود سپرده‌ها
- ۳- اخذ مالیات از آن دسته از سپرده‌گذارانی که بیش از نرخ مقرر سود دریافت کرده و یا می‌کنند.
- ۴- افزایش اندوخته قانونی بانک‌های متخلفی که حسب مورد، سود بیشتر به سپرده‌گذاران و مشتریان پرداخت و یا دریافت می‌کنند.
- ۵- کاهش سود افراد خوش حساب در پایان هر سال از طریق اعمال سودهای بیشتر از اشخاص بدحساب با تقصیر
- ۶- تفکیک بدهکاران بانکی به بدهکاران با تقصیر (منابع بانک‌ها را در محل‌های دیگر صرف کرده‌اند)، بی‌تقصیر (از دولت و یا شرکت‌های دولتی طلب دارند و یا اعمال تحریم‌ها منجر به وضعیت فعلی آن‌ها شده است)
- ۷- برقراری خط اعتباری از سوی بانک مرکزی تا سقف ۲۰٪ از دارایی‌های سمی بانک‌ها به منظور افزایش قدرت پرداخت تسهیلات بانک‌ها
- ۸- اصلاح بخشنامه‌های بانک مرکزی در خصوص نحوه دین حال کردن کمی و کیفی تسهیلات اقساطی و مشارکتی
- ۹- بسط و توسعه اعتبار اسنادی داخلی از طریق رفع نواقص فعلی به منظور جایگزین کردن کمبود منابع
- ۱۰- به منظور استفاده بیشتر از مزایای برجام لازم است هرچه سریع‌تر نسبت به تطبیق قوانین و مقررات شبکه بانکی با بانک‌های بین‌المللی اقدامات لازم معمول گردد.
- ۱۱- اصلاح رقابت ناسالم بانکی از طریق اعمال سیستم نظارتی قوی و مونیتور کردن اقدامات بانک‌ها و برقراری هزینه سنگین برای مدیران و بانک‌های خاطی

۱۲- اصلاح نرخ جریمه ۳۴٪ اضافه برداشت بانک‌ها به ترتیبی که بانک‌هایی که مقررات وضع شده را به‌نحو احسن انجام می‌دهند نرخ به ۱۸٪ و یا پایین‌تر تقلیل یابد.

• راهکارهای میان مدت

- ۱- ادغام بانک‌ها با نگاه تقویت نقاط قوت یکدیگر و کاهش نقاط ضعف
- ۲- وضع مالیات بر سود سپرده‌های بیش از دو میلیارد ریال
- ۳- ارزیابی مدیران بر اساس شفاف‌سازی حساب‌ها نه براساس سود بیشتر
- ۴- کاهش نقش بانک‌ها در تامین منابع مورد نیاز بنگاه‌ها از طریق تقویت بازار سرمایه
- ۵- تقویت بازار بورس کالا و اولویت پرداخت تسهیلات به بنگاه‌های اقتصادی که از طریق بورس کالا، مواد اولیه خود را خریداری می‌کنند
- ۶- توسعه بازارهای نوین تامین مالی از قبیل، اوراق اجاره، اوراق بدهی و

...

منابع

۱. دری نوگرایی، حسین؛ اصغر صالح اصفهانی. (۱۳۹۲). *اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران تحلیل مبنایی و برخی اصول راهنمای کاربردی*. تهران: انتشارات راه فردا.
۲. مؤمنی، ح.س. (۱۳۹۶). *اقتصاد مقاومتی در کشورهای پیشرفته با تأکید بر تولید ملی*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۳. نجفی علمی، محمدمهدی. (۱۳۹۴). *درآمدی بر شفافیت بانکی، مطالعه موردی بخشنامه مصوب شفافیت و انتشار عمومی اطلاعات بانک مرکزی*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۴. ابراهیمی، آیت اله؛ اله مراد سیف. (۱۳۹۴). «مفهوم شناسی و زمینه بانی بانکداری مقاومتی در اقتصاد ایران». *فصلنامه روناد*. سال ۲۲، ش ۷۱.

۵. ابونوری، اسمعیل؛ لاجوردی، حسن. (۱۳۹۵). "برآورد شاخص آسیب پذیری و تاب آوری اقتصادی به روش پارامتریکی: بررسی موردی کشورهای عضو اوپک. *نظریه های کاربردی اقتصاد*. " سال سوم، شماره ۳.
۶. اسدی، علی. (۱۳۹۳). «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی». *سیاست های راهبردی و کلان*. سال دوم. شماره ۵.
۷. اصغری، محمود. (۱۳۹۵). "اقتصاد مقاومتی، گفتمان راهبرد تولید ثروت در بستر نظام دینی از منظر رهبری." *پژوهش های اجتماعی اسلامی*. ۲۲(۴).
۸. اردکانی و همکاران. (۱۳۹۴). "اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران، چالش ها و راهبردها." *فصلنامه پژوهش های معاصر انقلاب اسلامی*. دوره ۱، شماره ۱.
۹. بریگو گلیو، لینو و دیگران. (۱۳۹۵). «کاوشی در مفهوم مقاومت اقتصادی و روش های اندازه گیری آن» (ح، سعیدی. مترجم).
۱۰. ترابزاده جهرمی، محمدصادق و همکاران. (۱۳۹۲). «بررسی ابعاد و مؤلفه های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای». *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*. سال دهم، شماره ۳۲.
۱۱. جمالی، ی.؛ جابری، ع. (۱۳۹۴). "اقتصاد مقاومتی از دیدگاه اسلام (مفهوم، اصول و سیاست ها)." *معرفت*. دوره ۲۴، شماره ۳۱۳.
۱۲. حسین پور، د و همکاران. (۱۳۹۵). "رابطه مدیریت جهادی و استراتژی های اقتصاد مقاومتی." *پژوهش ها و سیاست های اقتصادی*. دوره ۲۴، شماره ۷۹.
۱۳. حسین زاده بحرینی، محمدحسین. (۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی؛ راهکاری برای توسعه علوم قرآن و حدیث. مشکوه. شماره ۱۱۸.
۱۴. خالقی، م.ج. (۱۳۹۵). "نقش نظام بانکی در اقتصاد مقاومتی." *پژوهش ملل*. دوره ۱، شماره ۶.
۱۵. خوش چهره، محمد. (۱۳۹۱). "اصل استراتژیک اقتصاد مقاومتی." *دانش ارزیابی*. سال هفتم، شماره ۱۸.

۱۶. رضایی دوانی و همکاران. (۱۳۹۳). «اقتصاد مقاومتی و صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور (بند ۱۶ سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی)». فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی. شماره ۶ و ۷.
۱۷. سیف، اله‌مراد. (۱۳۹۱). «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)». «آفاق امنیت». سال پنجم، شماره ۱۶.
۱۸. سیفلو، س. (۱۳۹۵). «طراحی الگوی بانکداری مقاومتی مطالعه موردی بانک نیازهای اساسی». «اقتصاد اسلامی». دوره ۱۶، شماره ۶۴.
۱۹. «چالش‌های موجود شبکه بانکی، راه حل‌ها و راهکارها». (۱۴۰۳). مجله آنلاین صنعت حمل و نقل.
۲۰. ضیایی، محمود و همکاران. (۱۴۰۰). «طراحی الگوی مفهومی اقتصاد مقاومتی در بانک‌ها، موسسات مالی و اعتباری کشور». «مجله مدیریت بازار مالی». شماره ۲، دوره ۱۶.
۲۱. غیاثوند، ابوالفضل؛ عبدالشاه، فاطمه. (۱۳۹۴). «مفهوم و ارزیابی تاب‌آوری اقتصاد ایران». فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی. شماره ۵۹.
۲۲. قلیچ، وهاب؛ خوانساری، رسول. (۱۳۹۴). «عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی». پژوهشکده پولی و بانکی.
۲۳. قلیچ، وهاب. (۱۳۹۳). «بررسی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های قانون عملیات بانکداری بدون ربا در پشتیبانی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی». فصلنامه پژوهش‌های فقهی - حقوقی. س ۳، ش ۷.
۲۴. کامفیروزی، محمدحسن و همکاران. (۱۳۹۲). «بررسی نقش عوامل در اقتصاد بدون نفت در الگوی اقتصاد مقاومتی». فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی. سال سیزدهم، شماره ۵۲.

سخنرانی‌ها:

۲۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۶/۱۶.
۲۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۰/۵/۱۹.

۲۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶.
۲۸. بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر امام رضا علیه السلام، ۱۳۹۱/۱/۱.
۲۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳.
۳۰. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲.
۳۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان، ۱۳۹۱/۸/۵.